

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه لرستان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد (M.A)

موضوع:

تحلیل ابهام در شعر نیما یوشیج

نگارش:

سید مصطفی ساداتی ابدالی

استاد راهنما:

دکتر صفیه مرادخانی

استاد مشاور:

دکتر علی عباس رضایی

زمستان ۱۳۸۹

تقدیم به

روح پاک برادرم که در پی آن ساجده می تلخ، روزه اش رانده در دیار ما، که بر سفره ی حق افطار کرد.

و خانواده ام، که مهرشان، دلگرمی و بهانه می زندگی است.

و آنان که به ادبیات این سرزمین عشق می ورزند.

سپاس نامه

در آغاز، خداوند بی‌همتا را شاکرم که امکان آشنایی و همراهی با قافله‌ی بزرگ و پرافتخار شعر و ادب این کهن مرزوبوم را، برایم فراهم نمود، تا بتوانم در خدمت قافله سالاران نامدارش، شیوه‌ی تفکر، عشق و زندگی کردن را بیاموزم. سپاس می‌گویم که توانم بخشید تا این پایان نامه را با شور و شوق به نگارش درآورم. تلاش‌های استاد فرهیخته و بزرگوارم، خانم دکتر مرادخانی، که صبورانه زحمت راهنمایی و هدایت این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و زحمات استاد مشاور ارجمندم، دکترعلی عباس رضایی، را صمیمانه ارج می‌نهم.

از تمامی اساتید ارجمند گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، که در حضور گرمشان، افتخار شاگردی داشته و دارم، کمال تشکر و قدردانی می‌نمایم.

سپاس می‌گذارم، زحمات دوست عزیز و گرانقدرم، احمد کنجوری، که برخی از منابع این پایان نامه و همچنین تجارب ارزنده‌ی خود را در اختیارم گذاشتند.

و همیشه مدیون زحمات بی‌دریغ پدر و مادر عزیزم هستم، که دعای خیرشان، روشنی‌بخش مسیر زندگی‌ام بوده است. ارج می‌گذارم، زحمات همسر فداکارم که صبر و تحملش، یاریگر راه پرمشقتم شد. در پایان از تمام اعضای خانواده‌ام که وجود مهربانشان شور و شوق تحصیل را برایم فراهم نمود، سپاس‌گذاری می‌نمایم.

چکیده

یکی از خصیصه‌های بارز و قابل تأمل در شعر نوبنیاد نیما، ابهام است؛ ابهامی که به گونه‌های مختلف در سروده‌های وی خود را نشان داده و می‌تواند خود عاملی باشد تا مخاطب شعر به راحتی نتواند با این اشعار مأنوس شود. با توجه به این مسأله ضرورت داشت این جنبه از شعر نیما، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ابهام در شعر نیما را می‌توان در سه حوزه‌ی معنا، نحو و واژگان مورد توجه قرار داد. در زمینه‌ی معنا، ابهام، حاصل عواملی مختلفی چون: تصاویر تازه‌ی شعری، مسأله‌ی بوم و اقلیم، و نگرش تازه و دیگرگون نیما به جهان است.

شعر نیما در حوزه‌ی نحو زبان، به دلیل تلاش برای دستیابی به زبانی تازه و گریز از قواعد و هنجارهای زبان، دچار پیچیدگی و ابهام شده‌است. حذف، حشو، انواع جابه‌جایی، مشخص نبودن نقش دستوری و... از عوامل ابهام‌زای شعر نیماست.

علاوه بر موارد فوق، شعر نیما گاه با واژگانش مبهم می‌شود. واژگانی که به سبب دارا بودن ویژگی‌های خاص خود نیازمند تأمل و تعمقند. این واژگان، به انواع واژگان بومی و محلی، واژگان و ترکیبات تازه، واژگان کهن و واژگان محاوره‌ای قابل تقسیم و ارزیابی‌اند. هریک از این موارد به میزانی، شعر نیما را مبهم و دشوار کرده‌است.

واژگان کلیدی: ابهام، ابهام واژگانی، ابهام نحوی، ابهام معنایی

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱ | پیشگفتار |
| ۲ | مقدمه |
| ۳ | فصل نخست) کلیات و تعاریف |
| ۴ | ۱-۱- بیان مسأله |
| ۴ | ۲-۱- تعریف مفاهیم تحقیق |
| ۵ | ۳-۱- سؤالات تحقیق (سؤالات اصلی و فرعی) |
| ۵ | ۴-۱- فرضیات تحقیق (فرضیه‌ی اصلی و فرضیات جنبی یا جانشینی) |
| ۶ | ۵-۱- پیشینه‌ی موضوع و سوابق مربوط |
| ۶ | ۶-۱- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق |
| ۷ | ۷-۱- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات |
| ۷ | ۸-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات |
| ۸ | فصل دوم) زندگی و آثار نیمایوشیج |
| ۹ | ۱-۲- زندگی‌نامه |
| ۱۱ | ۲-۲- نگاهی گذرا به آثار نیما |
| ۱۳ | فصل سوم) ابهام معنایی |
| ۲۱ | ۱-۳- تشبیه به اعتبار طرفین |
| ۲۹ | ۲-۳- استعاره |
| ۳۳ | ۳-۳- کنایه |
| ۳۶ | ۴-۳- تناقض |

۳۸ _____ ۳-۵- تضاد

۴۰ _____ ۳-۶- آرکی تایپ

۴۲ _____ ۳-۷- نماد

۵۷ _____ ۳-۸- بوم و اقلیم

۶۰ _____ ۳-۹- نگاه تازه به جهان

۷۰ _____ **فصل چهارم) ابهام نحوی**

۷۳ _____ ۴-۱- حذف

۸۲ _____ ۴-۲- حشو

۸۵ _____ ۴-۳- جابه جایی ارکان و اجزا کلام

۹۸ _____ ۴-۴- فاصله افتادن بین صفت و موصوف

۱۰۱ _____ ۴-۵- مشخص نبودن نقش دستوری

۱۰۴ _____ ۴-۷- کاربرد حروف اضافه به جای یکدیگر

۱۰۷ _____ ۴-۸- کاربرد صفت به جای اسم در نقش های دستوری

۱۰۸ _____ ۴-۹- استفاده از فعل غیر معمول در جمله

۱۱۲ _____ **فصل پنجم) ابهام واژگانی**

۱۱۵ _____ ۵-۱- واژگان بومی و محلی

۱۲۷ _____ ۵-۲- واژگان و ترکیبات تازه

۱۳۳ _____ ۵-۳- واژگان کهن

۱۳۸ _____ ۵-۴- واژگان محاوره ای

۱۴۱ _____ نتیجه گیری

۱۴۳ _____ فهرست منابع

پیشگفتار

در این پایان‌نامه، بی‌آنکه ادعا شود، تمام زوایا و خفایای ابهام در شعر نیما مورد بررسی قرار گرفته‌است، سعی و تلاش بر آن بوده تا حد توان، این جنبه از شعر نیما، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. ذکر چند نکته در آغاز امر، ضروری به نظر می‌رسد.

۱- واژگانی که در بخش واژگان بومی و محلی، معنا شده‌است، از کتاب «واژه‌های مازندرانی در اشعار نیمایوشیج»، گرفته شده‌است و اگر معنای واژه‌ی خاصی را از دیگر کتب نقل کرده‌ایم، در پایان مطلب ارجاع داده‌ایم.

۲- واژگان کهن و واژگان محاوره، از فرهنگ معین، معنا شده‌است.

۳- در ارجاع مجموعه مقالات، آثار گردآوری یا ترجمه شده، برای جلوگیری از تضییع حقوق نویسنده، نام نویسنده، پیش از نقل مطلب، ذکر شده و مطلب به نام گردآورنده یا مترجم، ارجاع داده شده‌است.

۴- دیوان مورد استفاده برای انتخاب اشعار نیما، دیوانی است با عنوان «نیمایوشیج؛ مجموعه شعرهای نو، غزل، قصیده، قطعه» که با نظارت شراگیم یوشیج، فراهم آمده‌است. عنوان دیگر این کتاب مجموعه شعرهای نیمایوشیج است و در این پایان‌نامه با همین عنوان ارجاع داده شده‌است.

۵- برای تقسیم‌بندی نمادها، از پایان‌نامه‌ی دوره‌ی ارشد محمدعلی بیدلی با عنوان «نماد و نمادگرایی اجتماعی در شعر نو (نیما و اخوان)»، استفاده شده‌است.

۶- اسلوب ویرایش پایان‌نامه بر اساس کتاب دکتر غلامحسین غلام حسین زاده است.

مقدمه

ادبیات معاصر ایران، علاوه بر دارا بودن جنبه‌ها و ویژگی‌های فراوان و البته متمایز با ادبیات سنتی، دارای ویژگی و مشخصه‌ی مهم دیگری با عنوان ابهام است که به شکل نوین آن، در ادب گذشته بی‌سابقه‌است.

ابهام با تلاش‌های نیما، به عرصه‌ی ادبیات فارسی وارد شد و در شعر برخی از شاعران نوگرای پس از وی نیز تأثیر گذاشت.

شعر نیما به دلیل داشتن ابهام، نیازمند دقت و تأمل خاصی است و می‌طلبد که این اشعار با آگاهی و کاوش بیشتری مورد بررسی قرار گیرند.

تقسیم‌بندی‌های گوناگونی درباره‌ی ابهام صورت گرفته و انواعی چون: ابهام هنری و غیرآن، ابهام عمدی، ابهام عارضی و ... را برای آن برشمرده‌اند.

ابهام، به هر شکل و شیوه‌ی آن، برخی از اشعار نیما را از اصل صراحت و شفافیت شعر دور کرده‌است و همین امر ممکن است مخاطب را در درک معنا و مقصود شعر، با دشواری روبرو کند. لذا در این پایان نامه با راهنمایی استادان گرانقدر، ابهام در سروده‌های نیما، در سه فصل معنا، نحو و واژگان مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد تا با ذکر نمونه‌ها و مصادیقی از موارد یاد شده، به هدف خویش؛ یعنی کوشش برای شناخت ابهام در اشعار بنیان‌گذار شعر نو، نزدیک گردیم. انشاءالله

فصل نخست کلیات و تعاریف

۱-۱- بیان مسأله:

اگر در گذشته، وجود ابهام در یک متن ادبی، ضعف و ناتوانی شاعر را نشان می‌داد و نگاه انتقادی دیگران را برمی‌انگیخت، در هنر مدرن جهان، داشتن ابهام و وجود راز و رمز شاعرانه، نشان ارزش هنری یک اثر و شرط بقا و ماندگاری آن است.

در نگاه جدید به ابهام، مخاطب یک اثر هنری به صورت فعال، سعی دارد که در آفرینش و خلق معنا سهیم شود. در این رویکرد نوین، خواننده‌ی پویا و جستجوگر می‌کوشد تا به رازهای نهفته و پنهان اثر دست یابد و بدین سبب از ماحصل تلاش خود لذت ببرد.

از تغییرات و آورده‌های نوین در ادبیات این سرزمین، ابهام است؛ ابهامی که به گونه‌های مختلف در شعر او نمود پیدا کرده و خود را نشان داده است. وجود این ابهام در سروده‌های نیما باعث شده تا خوانش و درک شعر او را برای خواننده، دشوار سازد و باعث رمندگی مخاطبانی شود که در پی دستیابی به معنای سهل و ساده‌اند.

صور مختلف ابهام در شعر او را می‌توان به شاخه‌های متفاوت تقسیم کرد که چند مورد برای نمونه ذکر می‌شود: ۱- ابهامی که حاصل ویژگی‌های خاص زبانی اوست که همواره در تلاش برای گذر از هنجار عادی زبان ونحو اوست و چنین است که شعر او سراسر آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی می‌شود. ۲- نمادگرایی‌های او که در دو حوزه اجتماعی و فردی باعث به وجود آمدن ابهام و هاله‌ی معنایی در شعر می‌شود ۳- طبیعت‌گرایی که ویژه شاعران رمانتیک است. ۴- صبغی اقلیمی و محلی در شعر نیما که فرایند دریافت را در شعر او به تعویق می‌اندازد ۵- استفاده از ابزارهای ابهام‌زا که عموماً از گونه‌های صور خیال هستند مانند ایهام، استعاره، مجاز، کنایه و تمثیل.

۱-۲- تعریف مفاهیم تحقیق:

۱-۲-۱- ابهام: (Ambiguity) در لغت به معنی پوشیده‌گذاشتن، مجهول‌گذاشتن، دور کردن، بسته کردن کار و بستگی، پوشیدگی و تاریکی است و در اصطلاح بدیعی، سخنی گفتنی که محتمل دو معنی باشد. در ابهام احتمال دو معنی متضاد یا مختلف مثل مدح و ذم وجود دارد به طوری که از یکدیگر قابل تمییز نباشد. از این رو قدما آن را ذووجهین یا محتمل‌الضدین هم گفته‌اند. در بلاغت غرب از هنگامی که ویلیام امپسون ابهام را در کتاب «هفت نوع ابهام» (۱۹۳۰) پیش کشیده، این اصطلاح به نقد ادبی راه یافت.

قسمی از ابهام نیز وجود دارد که در بلاغت انگلیسی *amphiboly* یا *ampibology* نامیده می‌شود و ناشی از ساختمان مبهم دستوری یا دو پهلویی کلام است به طوری که عبارت یا جمله‌ای را که از چنین کیفیتی برخوردار است، بتوان به بیش از یک معنی تعبیر کرد. (داد، ۱۳۸۵: ۱۴)

۱-۲-۲- **ابهام واژگانی:** ابهامی که بر حسب عدم تعبیر مشخص مفهوم واژه‌هایی حاصل شود که از دلالت چندگانه برخوردار است.

۱-۲-۳- **ابهام نحوی:** ابهامی است که در سطح بزرگتر از واژه مطرح است. واحدهای تشکیل دهنده جمله به نحوی در کنار هم قرار می‌گیرند که جمله دارای ابهام می‌شود. اگر این ابهام در سطح یک گروه بروز کند، این ابهام نحوی را ابهام گروهی می‌نامند و اگر از سطح گروه فراتر رود و به سطح کل جمله برسد، به آن ابهام ساختاری گویند. (صفوی، ۱۳۸۶: ۵۲)

۱-۳-۳- **سوالات تحقیق:** (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی)

۱-۳-۱- **سوال اصلی:**

ابهام در شعر نیما در چه سطوحی قابل بررسی است؟

۱-۳-۲- **سوالات فرعی:**

۱- عوامل ایجاد ابهام در شعر نیما چه بوده است؟

۱-۴- **فرضیات تحقیق:** (فرضیه اصلی و فرضیات جنبی یا جانمایی)

۱-۴-۱- **فرضیه اصلی:** در سطح واژگان، شعر نیما به دلیل گریز از هنجارهای زبان معیار دارای نوعی ابهام است که می‌توان آن را ابهام واژگانی دانست. در سطح گروه و جمله نیز به علت جابه‌جایی عناصر سازنده آنها شعر او ابهام نحوی دارد.

۱-۴-۲- فرضیه فرعی:

- ۱- مانع تراشی برای ایجاد درنگ در خواننده تا لذت دریافت برای او بیشتر باشد. ۲- نیما با توجه به فضای خفقان در جامعه، با استفاده از نماد، استعاره و کنایه‌های گوناگون مانع ورود اغیار به فضای شعر شده است.
- ۳- تأثیر پذیری از سمبولیسم اروپا، از دیگر عواملی است که شعر او را مبهم کرده است.

۱-۵- پیشینه موضوع و سوابق مربوط: (بیان مختصر تحقیق، نتایج به دست آمده و نظرات علمی رایج

موجود درباره موضوع رساله)

درباره زندگی و نقد اشعار نیما آثار متعددی نگاشته شده است که برخی از آنها عبارتند از: خانه‌ام ابریست (تقی پور نامداریان)، شعر زمان ما (محمد حقوقی)، داستان دگردیسی (حمیدیان)، طلا در مس (رضا براهنی)، تاریخ تحلیلی شعر نو (شمس لنگرودی)، راهنمای ادبیات معاصر (سیروس شمیسا)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران (سیدمهدی زرقانی)، سنت و نوآوری در شعر معاصر ایران (قیصر امین‌پور)، ادبیات معاصر (شعر) و شرح، تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی (محمد رضا روزبه)، مقاله ای از حمید طاهری در نخستین همایش نیما شناسی، تحلیل ساختاری شعر نیما (پایان نامه دکتری خسروی شکیب)، و... در برخی از این آثار به بررسی و نقد شعر نیما پرداخته و به ابهام نیز به عنوان یکی از جنبه‌های شعری نیما تا حدودی توجه داشته و مطالبی را نگاشته‌اند اما این توجه، گاه تا حد یک مقاله محدود مانده است و به نظر می‌رسد تاکنون در این زمینه اثر مستقل و منسجمی نگاشته نشده است. از این جهت می‌توان گفت که موضوعی نو و بکر را برگزیده‌ایم.

۱-۶- ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:

با توجه به این که نیما دست کم بنیان‌گذار جریان شعر نو است و شناخت و فهم اشعار او برای محققان و دانشجویان ادبیات ضروری است لذا آثار مختلفی تاکنون در نقد و بررسی شعر نیما نگاشته شده و در برخی از آنها نیز به صورت محدود به جنبه ابهام در شعر او پرداخته شده است. اما واقعیت این است که ابهام یکی از خصیصه‌های بارز، مهم و جدانشدنی شعر نیماست چنانکه شناخت شعر او بدون تحلیل دقیق ابهام نهفته در آن، مشکل به نظر می‌رسد. لذا ضرورت دارد که به این مسأله توجه بیشتری شود و در این زمینه اثر مستقلی تألیف

گردد . ضرورت این امر ما را بر آن داشت تا اختصاصاً در این پایان‌نامه ابهام را در شعر نیما تحلیل و بررسی نماییم .

این پژوهش می‌تواند برای استفاده دانشجویان و شناخت و فهم شعر نیما و نقد آثار وی موثر باشد.

۷-۱- روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات: سازماندهی پیشنهادی تحقیق: در این پایان‌نامه از روش تحلیلی- توصیفی استفاده می‌شود در تحلیل داده‌ها و اطلاعات به شیوه‌ی استقرایی عمل خواهد شد.

۸-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات: (میدانی، کتابخانه‌ای،) و (پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون، فیش و)

روش پژوهش کتابخانه‌ای و ابزار مورد استفاده، کتب، مجلات و فیش برداری از آنهاست .

فصل دوم زندگی و آثار نیمایوشیج

۱-۲- زندگی نامه

در ۲۱ آبان سال ۱۲۷۶ شمسی، در دهکده‌ی ییلاقی یوش، نیما یوشیج، زاده شد. نامش علی بود در جوانی نام خود را به نیما تغییر داد تا نام رسمی و شناسنامه‌ای‌اش همین نیمایوشیج باشد. پدرش ابراهیم خان اعظام السلطنه از حامیان نهضت مشروطه، مردی کشاورز و گله‌دار بود و مادرش، طوبی مفتاح، آشنا با شعر و ادبیات و علاقمند به آن.

علی، پسر بزرگ خانواده بود و برادر کوچکتری به نام رضا داشت که بعدها «لادبن» نام گرفت. خواهرانش مهراقدس، ناکتا و ثریا بودند.

دوران کودکی و تحصیلی علی و لادبن با هم سپری شد اما بعد از آن، دوران جدایی این دو برادر و رفیق، آغاز شد و تنها تسلی آنها، نامه‌هایی بود که به هم می‌نوشتند. از نیما نامه‌های متعددی به لادبن در دست است که در آن برخی از عقاید و افکار نیما را می‌توان ارزیابی کرد. «... بعضی‌ها خیال می‌کنند نیما از بی‌اعتنایی نسبت به فجایع جمعیت، تنهایی را دوست دارد در حالی که جز عشق و طبیعت، یکی همین فجایع است که مرا به انزوا ترغیب می‌کند. در انزوا، انزوای باطن، اشک‌هایی ریخته می‌شود که در جمعیت نمی‌توان مانند آنها را ریخت...»

انسان به تصفیه‌ی وضع مادی خود فقط خوشبخت نمی‌شود. خیلی بیش‌تر از اندازه معمولی باید کار کرد. در این صورت شرکت در انقلاب، یک طرف کوچک قلب تو را بیشتر نمی‌تواند تصرف کند...
حال باور می‌کنی که آدم، آدم شدنی نیست. هزار انقلاب که بیاید و بگذرد، طبیعت ذاتی انسان همان طبیعت تغییرناپذیر است...». (طاهباز، ۱۳۷۶: ۶۵-۶۶)

نیما سواد خواندن و نوشتن را در همان دهکده‌ی یوش، نزد ملای ده آموخت و در سن دوازده سالگی برای ادامه تحصیل به تهران رفت. او در تهران تحصیلات خود را در دبستان حیات جاوید و بعد از آن در مدرسه متوسطه کاتولیک سن لوئی ادامه داد و در همین مدرسه زبان فرانسه را آموخت.
از گرفتاری‌های مداوم نیما، نداشتن شغل ثابت و درآمد مناسب است. اولین شغل اداری او کار در وزارت مالیه بود که هشت سال به زحمت به طول انجامید.

نیما در تاریخ ۶ اردیبهشت سال ۱۳۰۵، یعنی در ۲۹ سالگی با عالییه جهانگیر، خواهرزاده‌ی میرزا جهانگیر صور اسرافیل، انقلابی معروف عصر مشروطه، ازدواج کرد و حاصل این ازدواج، فرزندی است به نام شراگیم. نیما در سال ۱۳۰۷ به شهر بارفروش (بابل) منتقل می‌شود و در این شهر با آیت الله محمد صالح حائری آشنا می‌شود و بین آن دو، دوستی عمیقی ایجاد می‌گردد.

شهرهای دیگری که نیما در آنها اقامت می‌کند: آمل، لاهیجان، رشت، لنگرود و آستارا است که این اقامت-ها، اقامتی کوتاه مدت است. سیروس طاهباز در این زمینه ضمن بیان خاطره‌ی یکی از شاگردان نیما می‌گوید: «... در آن زمان کسی جرأت نداشت درباره‌ی مسائل اجتماعی، حقایقی را به زبان بیاورد. نیما، ما را تا حدی در جریان مسائل می‌گذاشت.

نیما، مردی پاک، درستکار و جدی بود. به همین جهت نیز مورد بی‌مهری رئیس معارف و برخی از معلمین قرار می‌گرفت. به طوری که دستور داده بودند بخاری کلاسی را که نیما در آن تدریس می‌کرد، روشن نکنند. بدینوسیله برای وی کار شکنی می‌کردند تا مجبور به ترک آستارا بشود». (طاهباز، ۱۳۸۷: ۲۳۱)

اقامت بعدی نیما در سال ۱۳۱۲ در تهران است. او در این شهر سال‌های بدی را با فقر و نداری می‌گذراند تا اینکه در سال ۱۳۱۶ مشغول تدریس ادبیات در دبیرستان صنعتی می‌شود. در سال ۱۳۱۷ به همراه محمد ضیاء هشترودی، صادق هدایت و عبدالحسین نوشین به عضویت مجله موسیقی در می‌آید. جلال آل‌احمد که در تهران با نیما همسایه بود، اوضاع زندگی آنها را این‌گونه بیان می‌کند: «زندگی مرفهی نداشتند. پیرمرد شندرغازی از وزارت فرهنگ می‌گرفت که صرف دود و دمش می‌شد و خرج خانه و رسیدگی به کار منزل اصلاً به عهده‌ی عالیه خانم بود که برای بانک ملی کار می‌کرد و حقوق می‌گرفت و پیرمرد روزها در خانه تنها می‌ماند. و بعد که عالیه خانم بازنشسته شد، کار خراب‌تر شد». (آل احمد، ۱۳۷۶: ۱۳۶)

عشق نیما به یوش و طبیعت آن زایدالوصف است. انگار او در آن جا و در میان مردمش حقیقتی را می‌یافت که در شهر و شهرنشین پیدا نمی‌شد. سفرهای متعدد او به یوش گواه این حقیقت است: «هر سال تابستان به یوش می‌رفتند. دسته جمعی خانه را اجاره می‌دادند؛ یا به کسی می‌سپردند و از قند و چای گرفته تا تره بار و بنشن و دوا درمان. هم بیلاقی بود، هم صرفه جویی می‌کردند. اما من می‌دیدم که خود پیرمرد در این سفرهای هر ساله، به جست و جوی تسلائی می‌رفت برای غم غربتی که در شهر به آن دچار می‌شد». (همان: ۱۴۰)

شغل بعدی نیما در سال ۱۳۲۶، کار در اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ است که تا پایان زندگی‌اش ادامه می‌یابد. انور خامه‌ای ضمن بیان خاطرات خود از نیما، دلیل بی‌کاری‌های مکرر نیما را این چنین شرح می‌دهد: «خاطره‌ی شخصی که از آن زمان درباره نیما دارم تعریف‌هایی است که دوستان من یعنی شاگردهای نیما از روش تدریس او و رفتارش در کلاس درس می‌کردند. آنها می‌گفتند که او اصلاً به برنامه درس و کتاب درسی کاری ندارد. در کلاس مانند یک دوست پهلوی شاگردان می‌نشیند و با آنها به گپ زدن و درد دل کردن می‌پردازد. گاهی هم داستان‌ها یا شعرهایی از خود و شعرای دیگر می‌خواند. همه آنها از او به

نیکی و احترام یاد می‌کردند. ولی شاید همین روش و احتمالاً انتقادهایی که از دولت در سر کلاس یا میان شاگردان می‌کرد باعث شد که عذر او را از مدرسه خواستند و بار دیگر بیکار شد. نیما را بارها از کار بیکار کردند و هر بار به خاطر اینکه زیر بار تعهدات اداری نمی‌رفت، اهل بند و بست نبود، آزاد می‌زیست و عقاید خود را آزادانه اظهار می‌داشت. البته کار شکنی و دشمنی بعضی محافل شعرای کهن پرداز نیز در رانده شدن او از کارهای دولتی سهمی داشت. اما عامل اصلی بیکاری و آوارگی او تا واپسین دم زندگی‌اش همان، آزادگی او بود». (خامه‌ای، ۱۳۶۸: ۱۴)

نیما در زندگی پر فراز و نشیب خود، نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌توجه نبود و برخی از این مسائل شعر او را نیز تحت تأثیر خود قرار داد؛ اما نکته قابل توجه این است که او عضو هیچ گروه سیاسی نبوده است و برخی به ناحق به او تهمت توده‌ای بودن زدند که او را به سختی رنجاند. او خود در این باره می‌گوید: «من کمونیست نیستم. می‌دانم که بعضی افکار من به آنها نزدیک می‌شود، اما می‌دانم که آنها بسیار نقطه ضعف دارند، و عمده مادیت غلیظ آنهاست. خود منطقی ماتریالیسم دیالکتیک هم با این مادیت غلیظ جور در نمی‌آید... من بزرگتر و منزّه‌تر از این هستم که توده‌ای باشم؛ یعنی یک فرد متفکر محال است که تحت حکم فلان جوانک که دلال و کار چاق کن دشمن شمالی ماست، برود و فکرش را محدود به فکر او کند. این تهمت دارد مرا می‌کشد. من دارم دق می‌کنم از دست مردم». (طاهباز، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

زندگی پر از مشقت و پر از دغدغه‌ی نیما، سرانجام در چهارشنبه ۱۳ دی سال ۱۳۳۸ ه. ش، به پایان رسید اما راه و شیوه‌ی نو او در شعر و ادب این سرزمین در سرآغاز طریقی تازه است. «مدتی بود که پیرمرد افتاده بود. برای بار اول در عمرش - جز در عالم شاعری - یک کار غیر عادی می‌کرد. یعنی زمستان به یوش می‌رفتو همین یکی کارش را ساخت. اما هیچ بوی رفتن نمی‌داد. از یوش تا کنار جاده‌های چالوس روی قاطر آورده بودندش... آن سر بزرگ داغ داغ بود. اما چشم‌ها را بسته بودند. کوره‌ای تازه خاموش شده. باز هم باورم نمی‌شد. ولی قلب خاموش بود و نبض ایستاده بود. اما سر بزرگش عجب داغ بود. عالیه خانم بهتر از من می‌دانست که کار از کار گذشته است...» (آل احمد، ۱۳۷۶: ۱۴۲)

نگاهی گذرا به برخی از آثار نیمایوشیج

آغاز شاعری نیما، بر پایه‌ی اصول و ضوابط شعر سنتی است. او، در سال ۱۲۹۹، با سرودن شعر «قصه‌ی رنگ پریده»، بر سبک و اسلوب شعر گذشته، خود را به دنیای شعر فارسی معرفی کرد. مضامین مطرح در این

شعر نشان می‌دهد که شاعر، هنوز گرفتار «من» خویش است و در آن رنج‌ها و دردهای خود را فریاد می‌کند. سال ۱۳۰۱ «افسانه» را در روزنامه‌ی قرن بیستم میرزاده‌ی عشقی چاپ کرد. او در این شعر با نمایش سبک و سیاقی تازه از شعر، نشانه‌های خروج خود را از شعر سنت گرای فارسی نشان داد. پس از انتشار افسانه، تا سال ۱۳۱۶، اشعاری چون: شیر، یادگار، انگاسی، خانواده‌ی سرباز، محبس، سرباز فولادین، عقاب نیل، در جوار سخت سر، دود، قلعه سقریم و... را در همان حال و هوای سنت و در قالب‌هایی چون مثنوی، غزل، قصیده، قطعه، رباعی سرود.

سال ۱۳۱۶، سال تحقق رؤیاهای نیما در عرصه‌ی شعر است. او با سرودن شعر «قنوس» که نشان بدعت و خروج از اصول و قواعد تثبیت شده‌ی شعر کهن این مرز و بوم بود، راه خود را از دیگران جدا کرد و شیوه‌ای نو را برگزید. نیما شیوه‌ی نو خود را با سرودن اشعاری چون: غراب، مرغ غم، مرغ مجسمه، وای بر من و گل مهتاب ادامه داد.

نیما، در این سال‌ها، مورد هجمه و انتقاد شدید مخالفان و منتقدان خود بود. خلق آثاری به سبک شعر کلاسیک، در این ایام، علاوه بر آنکه توان و قدرت او را در سرایش شعر سنتی، به رخ مخالفان می‌کشد، می‌تواند نشان از عقب‌نشینی‌های مقطعی و موقت نیما در برابر این سیل مهاجم نیز باشد.

«خانه سریویلی»، بدعت دیگر نیما در قلمرو شعر فارسی و در زمینه‌ی منظومه‌سازی است. برخی از عقاید و آراء نیما، در این شعر، در گفتگوی بین شاعر و شیطان بیان شده‌است. از دیگر منظومه‌های آزاد نیما، «منظومه به شهریار» و منظومه‌ی دیگری به نام «مانلی» است که با تأثیر از اوراشیمای ژاپنی سروده شده‌است.

نیما، از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶، اشعاری چون: دل فولادم، روی بندرگاه، شب‌پره‌ی ساحل نزدیک، هست شب، برف، سیولیشه و کک‌کی را می‌سراید. آخرین شعر دیوان او، با عنوان «شب همه شب»، در آبان‌ماه ۱۳۳۷ سروده شده‌است.

افکار و اندیشه‌های نیما گام به گام با جریان نوگرایی شعرش رشد و تعالی یافت. او شاعری است که سعی کرده بی‌توجه به خواست و امیال خود، درد و رنج مردم را به شعر درآورد و هم‌نوا با ناله‌ها و رنج‌های آنان در بیداری و آگاهیشان سهیم شود.

انقلاب مشروطه، تلاش شاعران نوگرا، روشنفکران و مبارزان راه آزادی و عدالت، آشنایی با ادبیات غرب به ویژه فرانسه، از جمله عوامل مهمی است که در تغییر رویکرد نیما به شعر و ادبیات، تأثیرگذار بود و باعث شد تا نیما با نگرشی تازه، بنیان‌گذار ادبیاتی نوین شود.

فصل سوم
ابهام معنایی